

جامعه‌شناسی در ایران

وضعیت آن در گذشته و حال

و جایگاه و نقش آن در آینده

نویسنده: دکتر محمد عبداللهی

و انباشت می‌شود. همین نظریه‌ها هستند که پیکره و کالبد جامعه‌شناسی را تشکیل می‌دهند و در فرایند پژوهشها یا تحقیقات بعدی و نیز در امر آموزش و ترویج این رشته علمی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

هر چند جامعه‌شناسی یک رشته علمی است، ولی با علوم طبیعی فرق می‌کند. در جامعه‌شناسی، موضوع، کثیرالابعاد و پیچیده‌تر است و بُعد کیفی دارد و محقق آن با انسانی، صاحب احساس و عقل و اراده سروکار پیدا می‌کند که برای درک و فهم او باید علاوه بر روشهای کمی از روشهای کیفی هم استفاده نماید. پدیده‌های اجتماعی مورد مطالعه و قانونمندیهای حاکم بر آنها برحسب جوامع و فرهنگها متغیرند و از نسبت بیشتری برخوردارند. در جامعه‌شناسی خود جامعه‌شناس جزئی از موضوع مطالعه است، بنابراین بیش از علوم طبیعی در معرض دخالت ارزشهاست. به همین جهت در جامعه‌شناسی علاوه بر قواعد علمی و تئوریهای جامعه‌شناسی با مکتبهای جامعه‌شناسی هم سروکار داریم که اهداف و غایت این علم را تعیین می‌کنند. اهدافی که تحقق آنها طویل‌المدت و مستلزم کار دقیق و صرف وقت بسیار زیاد است.

در جوامع امروزی جامعه‌شناسی از جایگاه و نقش خاصی برخوردار است و در جهت توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی و ارائه راه‌حل‌های مناسب نوعی شناخت علمی به‌دست می‌دهد که حصول آن از هیچ طریق دیگری میسر نیست. بنابراین امروز تئوریا و یافته‌های جامعه‌شناسی و تحلیلهای علمی و روزآمد آن اصلترین پایه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی - انسانی و پیش‌نیاز هرگونه دخل و تصرف در فرایند پدیده‌های اجتماعی به‌شمار می‌روند.

۲- فرایند پیدایش و تحول آن در گذشته چگونه بوده است؟

تفکر جامعه‌شناسی به دنبال تفکر اجتماعی و فلسفه تاریخ و در تحت شرایط و ضرورت‌های خاصی پدید آمده است. به رغم قدمت و عمق تفکرات اجتماعی و فلسفه تاریخ در شرق، شرایط اجتماعی و فرهنگی مناسب برای زایش جامعه‌شناسی پدید نیامد و این علم برای اولین بار متعاقب رنسانس، انقلاب صنعتی و تحولات اجتماعی و سیاسی و توسعه مؤسسات علمی و مراکز آموزشی و پژوهشی در اروپا پدید آمد و پاسخگوی ضرورت‌های زمان خود شد. اولین نسل جامعه‌شناسان با علاقه‌مندی و جذبیت خاص مسائل اساسی جامعه خود را با دید جامعه‌شناسی مطرح و مورد تحلیل قرار دادند. مارکس با طرح نابرابریها، تضادها و تعارضات طبقاتی و تحلیل

سیر تحول جامعه‌شناسی در کشورهای پیشرفته نشان داده است که این رشته علمی از توانایی بالایی برای پاسخگویی به بسیاری از مسائل اجتماعی برخوردار است. جامعه‌شناسی چنانچه بتواند جایگاه اصلی و واقعی خود را در جامعه پیدا کند، می‌تواند به عامل تعیین‌کننده‌ای در جهت کاهش تنشها و آسیبهای اجتماعی هر جامعه تبدیل شود. ضمن آنکه، توسعه تولید دانش علمی نیز می‌تواند رهاورد بعدی توسعه جایگاه علمی جامعه‌شناسی باشد. این مقاله با نگرش تاریخی به فرایند پیدایش و تحول جامعه‌شناسی در گذشته و تعیین جایگاه و وضعیت آن در ایران، نقش و جایگاهی که جامعه‌شناسی می‌تواند در فرایند تحول و توسعه ایران عهده‌دار شود را مورد تحلیل قرار می‌دهد و برای توسعه آن در ایران مواردی چون: طرح مسائل اجتماعی عمده در ایران، انجام دادن پژوهشهای جامعه‌شناسی، کیفیت‌گرایی، بهبود و فضای آموزشی و... به عنوان پیشنهاد‌های اساسی و سازنده برمی‌شمارد.

در این مقاله سعی خواهد شد در ارتباط با وضعیت جامعه‌شناسی در ایران به پرسشهای زیر پاسخ داده شود:

- ۱- جامعه‌شناسی چیست؟
- ۲- فرایند پیدایش و تحول آن در گذشته چگونه بوده است؟
- ۳- وضعیت آن در ایران چگونه است و چرا؟
- ۴- چه جایگاه و نقشی در فرایند تحول و توسعه ایران می‌تواند داشته باشد؟
- ۵- و برای این منظور چه می‌توان کرد؟

۱- جامعه‌شناسی چیست؟

جامعه‌شناسی رشته‌ای علمی است که موضوع آن پدیده‌های اجتماعی است؛ پدیده‌هایی مانند انقلاب، توسعه، نابرابری، اعتیاد، طلاق و غیره که ماهیتی جمعی دارند. این پدیده‌ها واقعی و متغیرند و تغییرات آنها قانونمند است. این قانونمندیها قابل شناخت‌اند. جامعه‌شناسی با روش منظم تجربی - تعقیبی خود پدیده‌های اجتماعی را توصیف می‌کند و قانونمندیهای حاکم بر فرایند پیدایش، توسعه و زوال آنها را مورد تحلیل قرار می‌دهد و به تولید دانش علمی می‌پردازد.

این دانش علمی با زبانی اخباری در قالب قواعد علمی و نظریه‌های جامعه‌شناسی در لابه‌لای آثار و منابع جامعه‌شناسی ذخیره

ساز و کارهای تاریخی تحولات اجتماعی راههای انقلابی تغییر نظامهای اجتماعی را در پیش پای مردم زمان خود قرار می‌داد. دورکیم با طرح مسائل و تحلیل ساز و کارهای نظم اجتماعی راههای تثبیت آن را در جامعه جدید فرانسه به دولت معرفی کرد. بدینسان مهمترین مسائل جامعه آن روزی یعنی مسئله تغییر و تحول و مسئله نظم و ثبات در قالب مهمترین مکاتب جامعه‌شناسی کلاسیک یعنی مکتب جامعه‌شناسی نظم و مکتب جامعه‌شناسی تضاد و تحول تبلور پیدا کردند. پس از آن نیز جامعه‌شناسی چه در قالب آن مکتبها و چه در قالب دیدگاه‌های نوین و انتقادی با شرایط و واقعینها و مسائل زمان خود پیوند یافته و از طریق موثر واقع شدن در فرایند توسعه جامعه خویش بر توسعه خود نیز کمک کرده است. به طوری که امروز جامعه‌شناسی به عنوان یکی از عناصر ضروری جوامع جدید جایگاه و نقشی نهادهی شده پیدا کرده است و همگام با توسعه جامعه توسعه می‌یابد.

شرایط و عوامل عمده‌ای که از لحاظ تاریخی زمینه فکری و اجتماعی مناسبی را برای پیوند یافتن جامعه‌شناسی با جامعه و نهادی شدن آن در جوامع توسعه یافته امروزی فراهم کردند عبارت بودند از: ۱-۲- رنسانس و تغییر رابطه انسان با خود و با خدای خود. در فرایند این واقعه بسیار مهم، اصلاحات مذهبی با تاکید بر عقلانیت مذهبی، زهد دنیوی (بیشتر کارکردن، کمتر فصرف کردن، گرایش به پس انداز و سرمایه‌گذاری و عمران و آبادی و جستجوی سعادت اخروی از طریق کسب موفقیت دنیوی و...) و رشد اومانیزم یعنی اعتماد به نفس، اعتقاد به پیشرفت و دخالت در کنترل طبیعت و تعیین سرنوشت خویش از طریق کار و کوشش و تولید و کاربرد علم و تکنولوژی رشد کرد و زمینه مساعدی برای ظهور مصلحان مذهبی، مکتشفان و مخترعان و دانشمندان و انتقاد از وضع موجود و تحقیق و آموزش و ترویج علوم و فنون نوین پدید آمد.

۲-۲- انقلاب صنعتی و تغییر رابطه انسان با طبیعت که به تقسیم کار و تخصص‌گرایی و حل مسئله تأمین معشیت مردم و رفع وابستگی به طبیعت، توسعه صنایع و گسترش شهرها و دستیابی به تسهیلات رفاهی بیشتر و زندگی راحت‌تر کمک کرد.

۳-۲- انقلابهای اجتماعی و تغییر رابطه انسان با انسان که به تغییر روابط خاص گرایانه سنتی و ایجاد روابط و همبستگیهای عام و نظم اجتماعی مبتنی بر یگانگی با حفظ هویتها و تشکیل جامعه مدنی و احترام به حقوق فردی منجر گردید.

۴-۲- پیدایش دموکراسی که آزادی در فکر و اندیشه را به ارمغان آورد.

۵-۲- رشد دانشگاهها و مؤسسات علمی و مراکز آموزشی - پژوهشی که نقش تحقیق، آموزش و ترویج علوم و فنون نوین مورد نیاز جامعه را در پیوند و ارتباط متقابل با سایر عناصر حیات اجتماعی ایفا می‌کردند.

۶-۲- ظهور جامعه‌شناسانی که با جدیت و پشتکار مسائل اساسی جامعه خود را مطرح کردند، بینشها و روشهای مناسبی را برای دستیابی به پاسخهای علمی درباره آن مسائل تدوین و ارائه نمودند و سرانجام توانستند به پاسخهای بالنسبه قابل قبولی دست یابند. اینان بنای اولیه جامعه‌شناسی را به عنوان علمی نوین در پیوند با جامعه خویش پیریزی کردند و با تدوین آثار و تربیت شاگردان و پاسخ‌گویی به نیازهای دولت و مردم زمینه توسعه آن را فراهم آوردند. پس از آن بین توسعه جامعه‌شناسی و توسعه اجتماعی پیوستگی و ارتباط

متقابل وجود داشته به طوری که امروز توسعه جامعه‌شناسی یکی از عوامل اصلی و در عین حال یکی از شاخصهای عمده توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. تجارب تاریخی نشان می‌دهد که توسعه سایر جوامع مثل ژاپن هم در تحت شرایطی صورت گرفته است که در آن علم و عالم از جایگاه و نقش ارزنده‌ای برخوردار بوده‌اند. پس هر چه جامعه، توسعه یافته‌تر، زمینه برای توسعه علوم اجتماعی بیشتر و هرچه توسعه علوم اجتماعی بیشتر جایگاه و نقش آن در توسعه اجتماعی بیشتر.

۳- وضعیت، آن در ایران چگونه است و چرا؟

در ایران به رغم قدمت و عمق و گستردگی تفکرات اجتماعی ماقبل جامعه‌شناسی، تاریخ جامعه‌شناسی به معنی امروزی آن محدود به چند دهه اواخر دوره تماس جامعه ایران با جوامع صنعتی توسعه یافته بوده است. در این چند قرن، گسستگی و گسلی بین تاریخ تفکرات اجتماعی و رشته علمی جامعه‌شناسی ایران بوده است (۱). علاوه بر این نهادمندی جامعه‌شناسی در ایران و پیوند آن با جامعه (الگوپذیری و قاعده‌مندی آن به طوری که مستقل از اراده و سلیقه فردی ضمانت اجرایی پیدا کند) با موانع و مشکلات دیگری هم روبه‌رو بوده است که می‌توان آنها را به سه دسته زیر تقسیم کرد:

۱-۳- موانع موجود در سطح کلان: نوع جامعه و نظام اجتماعی، توسعه نیافتگی صنعتی، فقر معیشتی، فشار سیاسی، عدم انسجام جمعی عام مبتنی بر تفاوت پذیرها، ضعف جامعه مدنی و جو فرهنگی و حل نشدن مسائل فلسفی علم در ایران (۲) را می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از شرایط ساختاری در سطح کلان نام برد که مانع نهادمندی علوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسی در ایران شده‌اند (۳).

۲-۳- موانع موجود در سطح میانی: ضعف نهاد علم و سازمان علمی و ضعف مدیریت علمی و تمرکزگرایی در زمینه برنامه‌ریزیهای علمی، گزینش دانشجو و تقسیم‌بندی غیرعلمی رشته‌ها و گرایشهای علوم اجتماعی، ضعف ارتباطات و مبادلات علمی بین مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی، استاد و دانشجو، دانشگاه و مردم و دانشگاه و مراکز اجرایی.

۳-۳- مسائل و مشکلات موجود در سطح خرد: علاوه بر گرفتاریهای روزمره ناشی از سختی معیشت صاحبان مشاغل علمی - تخصصی حوزه علوم اجتماعی که معمولاً برای مقابله با آنها به تدریس اضافی و گاهی هم تحقیق در زمینه‌های غیراساسی روی می‌آورند به مقتضیات رشته تخصصی خود و با توجه به شرایط ساختاری در جامعه اصولاً با مسائل و محرکهای منفی محیط سیاسی - اجتماعی سروکار بیشتری دارند. جدولهای شماره ۱ تا ۷ بیانگر بخشی از اطلاعاتی هستند که در یک مطالعه تطبیقی راجع به وضعیت اعضای علمی رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی و علوم اجتماعی به عمل آمده است. آن طور که در این جدولها مشاهده می‌شود میزان درآمد اعضای علمی رشته‌های علوم اجتماعی از فعالیتهای علمی و تخصصی غیر از تدریس بسیار کمتر از درآمد صاحبان مشاغل علمی - تخصصی رشته‌های پزشکی و فنی و مهندسی است. با این که بیش از ۸۰ درصد اعضای علمی رشته‌های پزشکی و فنی و مهندسی از رضایت شغلی بالایی برخوردارند در رشته علوم اجتماعی برعکس اکثریت اعضا دارای رضایت شغلی



۵۷۳۵

کمتری هستند. خاستگاه اجتماعی اعضای هیئت علمی رشته علوم اجتماعی نسبت به رشته‌های پزشکی و فنی بسیار پایینتر است. اکثریت اعضای علمی رشته‌های پزشکی و فنی از خانواده‌های متعلق به قشرهای بالای جامعه یعنی صاحبان مشاغل علمی و تخصصی‌اند و والدین اکثریت آنان دارای تحصیلات بالا بوده و پدرانشان در رشته‌های پزشکی و فنی اشتغال داشته‌اند. در حالی که اکثریت والدین اعضای علمی علوم اجتماعی بیسواد و کم‌سواد و متعلق به اقشار پایین و محروم جامعه هستند. طبق همین بررسی اکثریت فرزندان اعضای علمی رشته‌های پزشکی و فنی رشته‌های تحصیلی والدین خود را (پسران رشته‌های فنی و دختران رشته پزشکی) برگزیده‌اند. این فرایند در بین فرزندان اعضای علمی علوم اجتماعی روندی معکوس داشته است یعنی فرزندان اکثریت اعضای علمی رشته علوم اجتماعی، رشته‌های تحصیلی پدران خود را انتخاب نکرده و در رشته‌های پزشکی و فنی مشغول به تحصیل شده‌اند. این گرایش به انتخاب نکردن رشته تحصیلی والدین در بین فرزندان اعضای علمی علوم اجتماعی نسل جدید نسبت به نسلهای قبلی بیشتر شده است. این امر نه تنها معرف مسائل و مشکلاتی است که این رشته در ایران با آنها روبه‌رو است بلکه بیانگر نداشتن انگیزه و علاقه و تا حدی بی‌اعتقادی و انفعال اعضای علمی علوم اجتماعی نسبت به رشته تحصیلیشان است. تا آنجا که فرزندانشان را تحت تاثیر قرار داده و آنان را از ادامه مشاغل پدران خود باز داشته‌است. این فرایند نوعی ضربه درونی برای علوم اجتماعی محسوب می‌شود و از شکل‌گیری سنت تداوم تجارب جلوگیری می‌کند. ورود افراد کم علاقه به علوم اجتماعی که معمولاً از ورود به رشته‌های دیگر بازمانده‌اند نه تنها موجبات تداوم و تشدید مسائل مبتلا به علوم اجتماعی را فراهم می‌سازد بلکه درست بر خلاف ماهیت و فلسفه این رشته عمل می‌کند. با اینکه پیچیدگی موضوع علوم اجتماعی و دشواری کار در شرایط موجود گزینش افراد با استعدادتر، علاقه‌مند و پرکارتر را می‌طلبد ولی همان‌طوری که ذکر شد در عمل این امر به گونه‌ای دیگر است.

۴- چه جایگاه و نقشی در فرایند تحول و توسعه ایران می‌تواند داشته باشد؟ و برای این منظور چه می‌توان کرد؟
جایگاه و عملکرد فعلی جامعه‌شناسی معلول مجموعه به هم

مقایسه وضعیت رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی و اجتماعی در ایران

۲- رشته تحصیلی و شغلی عضو علمی با رشته شغلی پدر

رشته تحصیلی و شغلی عضو علمی	کارگر و کشاورز	کارمند	مالک و تاجر	مشاغل علمی و تخصصی
پزشکی	۱۳	۳۲	۴۰	۶۲/۵
فنی مهندسی	۲۰	۴۲	۴۷	۳۵
اجتماعی	۶۷	۲۶	۱۳	۲/۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۳- رشته تحصیلی فرزندان اعضای علمی فعلی با رشته تحصیلی پدرانشان

رشته تحصیلی فرزندان آنان	پزشکی	فنی - مهندسی	اجتماعی
پزشکی	۴۲	۲۴	۳۳
فنی - مهندسی	۵۸	۷۶	۵۲
اجتماعی	۰	۰	۱۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۴- میزان درآمد از فعالیتهای علمی تخصصی غیر از تدریس عضو علمی با رشته تحصیلی آنان

میزان درآمد از فعالیتهای علمی تخصصی غیر از تدریس	پزشکی	فنی - مهندسی	اجتماعی
کمتر از ۱۰ هزار تومان	۱۶	۱۴	۷۷
۵۰ تا ۷۵ هزار تومان	۱۲	۱۷	۲۱
۷۵ تا ۱۰۰ هزار تومان	۲۲	۷	۰
۱۰۰ هزار تومان و بیشتر	۵۰	۶۲	۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۵- میزان رضایت شغلی با رشته تحصیلی و شغلی عضو علمی

میزان رضایت شغلی	پزشکی	فنی - مهندسی	اجتماعی
کم	۱۹	۱۸	۶۶
زیاد	۸۱	۸۲	۳۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۱- رشته تحصیلی عضو علمی با رشته تحصیلی پدر

رشته تحصیلی پدر	پزشکی (تجربی)	فنی - مهندسی (ریاضی)	اجتماعی
رشته تحصیلی عضو علمی			
پزشکی	۵۷	۲۷	۵۰
فنی - مهندسی	۲۶	۷۳	۳۲
اجتماعی	۱۷	۰	۱۸
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

۶- دلایل ورود به رشته تحصیلی و شغلی علمی

رشته تحصیلی	عضو علمی		
	پزشکی	فنی - مهندسی	اجتماعی
دلایل ورود به رشته			
علاقه	۶۵	۷۰	۲۱
صرف قبولی در کنکور	۳۵	۳۰	۷۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

پیوسته‌ای از شرایط و عوامل تاریخی است که تغییر آنها پیش نیاز تغییر در جایگاه و نقش جامعه‌شناسی است. هرچند نمی‌توان از تحلیل کلی غافل بود ولی باید به دیگر تحلیلها از جمله تحلیل کارکردی نیز توجه نمود که براساس آن که و کیف جامعه‌شناسی در موقعیت و جایگاهی که جامعه‌شناسی در ایران دارد بی‌تأثیر نبوده است (۵). در هر دو مورد جامعه‌شناسان، مسئول و موثر شناخته می‌شوند. برای توضیح مطلب می‌توانیم الگویی از تغییر و توسعه یک جامعه را از دیدگاه جامعه‌شناسی ترسیم کنیم. در این الگو معمولاً با سه منبع یا سه دسته از شرایط و عوامل تغییر و توسعه سروکار داریم، شرایط و عوامل ساختاری در سطح کلان، شرایط و عوامل سازمانی در سطح میانی و ویژگیهای فردی در سطح خرد. اگر فرض بر نامساعد بودن شرایط سطح کلان و میانی بگذاریم و بر غلبه و سلطه قواعدی اشاره کنیم که عرصه عمل را بر فرد یا کنشگر محدود و مقید می‌سازد باز هم نمی‌توانیم نقش فرد در تغییر شرایط را انکار کنیم. در چنین شرایطی نقش فرد بستگی به ویژگیهای آن فرد دارد. کسی می‌تواند در برون ایجاد تحول کند که خود در درون متحول شده باشد. تحول در باورها (هست و نیستها)، ارزشها (خوب و بدها) و تعهدات (باید و نیایدها) که بر اینها در نظام شخصیتی و محصول و ثمره آنها در گفتار و کردار فرد تجلی و نمود پیدا می‌کند. این ویژگیها در وجود آن اندیشمند اجتماعی و جامعه‌شناس متخصص و متعهدی جمع می‌شود که به منابع و میانی بینشی روشن‌شناسی رشته جامعه‌شناسی اشراف داشته باشد. یعنی دانشمند باشد. به رشته تخصصی خود عشق ورزد تا مشکلات کار در این رشته را به رغم هزینه بالا و پاداش کم با بذل جان و مرجع داشتن ارزشهای معنوی بر مادی خریدار باشد. خود را نسبت به دانشگاه و سازمان محل کار خود متعهد و مسئول بداند. از کژپها چشم نپوشد. مسائلی درون سازمانی و درون رشته‌ای خود را مطرح کند و در حل آنها فعالانه مشارکت نماید. به انسان، جامعه و مردم کشورش عشق ورزد و بداند که جامعه‌شناس باید بیش از هرکس دیگری با مردم مرتبط باشد. آنان را بشناسد و شناخت علمی خود را با الهام از اخلاق مردمی خود در راه خدمت به آنان به کار گیرد. جامعه‌شناس باید به عنوان شهروندی آگاه و فعال درکی عمیق از جگونگی و چرایی تغییر حیات اجتماعی پیدا کند و با آنچه مسائل اساسی انسانها را به حاشیه می‌راند و آنان را درگیر مسائل جزئی و فرعی می‌نماید مبارزه نماید.

امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که توسعه اقتصادی و ارزش برقراری رابطه با طبیعت نه صرفاً برای بقا و زنده ماندن بلکه برای کسب سود آن هم به هر طریق که باشد بر توسعه اجتماعی و سیاسی و ارزش برقراری رابطه منصفانه انسان با انسان برای بهتر زندگی کردن پیشی گرفته است. اثرات انقلاب علمی و تکنولوژیکی جناری در

جهان در بُعد مادی و اقتصادی حیات اجتماعی به مراتب بیشتر از تأثیرات آن بر سایر ابعاد حیات اجتماعی بوده است. به همین جهت میزان تشابه پذیری جهان امروز از لحاظ قواعد و رفتارهای اقتصادی بسیار بیشتر از میزان تشابه در قواعد و رفتارهای اجتماعی و سیاسی است (۶). این امر معرف سبقت پیشرفت علوم طبیعی بر علوم اجتماعی است.

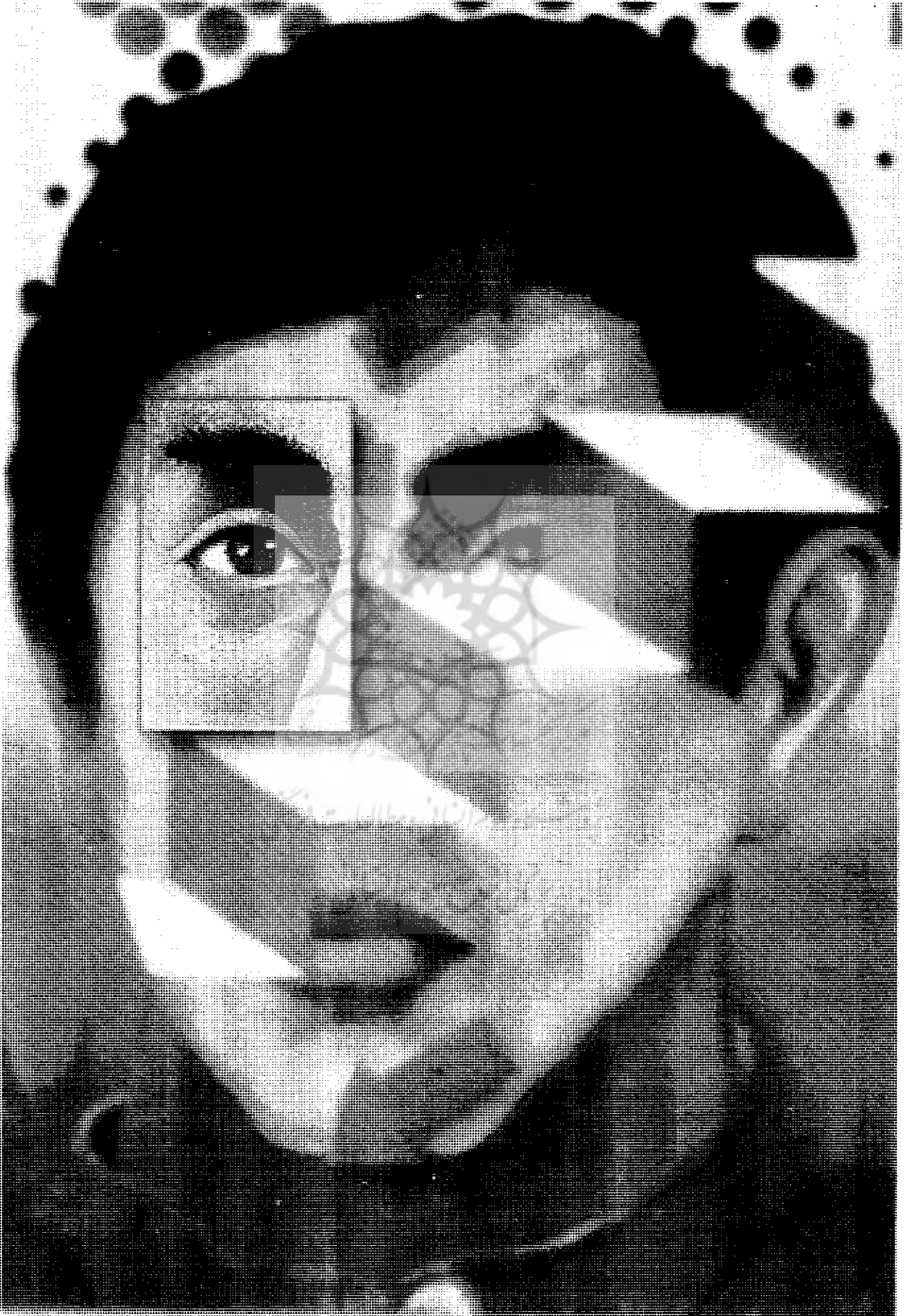
این تأخر توسعه در بعد اجتماعی و سیاسی نه فقط موجب تأخر توسعه علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی شده بلکه اصولاً جهان امروز را با مسائل عدیده قومی خاص گرایه‌های فرهنگی و فشارها و تنشهای سیاسی و نبود توسعه متعادل و متوازن و سیطره قواعد اقتصادی و ارزشهای مادی بر اعمال و افکار انسانهای امروزی روبه‌رو کرده است. تخریب منابع و آلودگی محیط زیست و تهدید سلاحهای هسته‌ای سرنوشت انسان و محیط زیست او بر روی کره زمین را به مخاطره انداخته است. در چنین شرایطی است که در غرب جامعه‌شناسی تحت لوای اثبات‌گرایی جدایی از ایدئولوژی و در شرق تحت عنوان تعهدگرایی زیر سلطه ایدئولوژی قرار گرفته و در هر دو حال از نفوذ در شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بازمانده است. در حالی که جامعه‌شناسی هم علم است ولی با علوم طبیعی یکی نیست و هم با فلسفه و اخلاق سروکار دارد ولی قابل تقلیل در هیچکدام از آنها نیست. اگر این گرایش به وحدت با حفظ هویتها جای گرایش به ادغام و سلطه را بگیرد فلسفه، دین، علم، دانشگاه و بخش اجرایی هرکدام جایگاه و نقش خود را در ارتباط با دیگر عناصر و تحت نظام اجتماعی عام حاکم بر جامعه خواهند یافت و به کسب هویت حقیقی خویش نائل خواهند آمد.

اندیشمندان اجتماعی متخصص و متعهد می‌توانند با طرح و تحلیل مسائل جاری و ارائه راه‌حلهای مناسب جایگاه و نقش تعیین کننده‌ای در فرایند تغییر و تحول حیات اجتماعی انسان در جهت تحقق جامعه‌ای آزادتر، عادلانه‌تر و انسانی‌تر پیدا کنند و با مؤثر واقع شدن در فرایند توسعه اجتماعی به توسعه علوم اجتماعی کمک نمایند. در ایران هم توسعه علوم اجتماعی جدی از توسعه اجتماعی نیست و این دو سرنوشتی واحد و مشترک دارند (۷).

۵- چه می‌توان کرد؟

۱-۵- طرح مسائل اجتماعی عمده در ایران: اولین قدم طرح مسائل اساسی جامعه ایران توسط اندیشمندان اجتماعی و جامعه‌شناسان ایرانی است. این حرکت اندیشمندان را برای تفکر و تعمق پیرامون مسائل اجتماعی گرد هم جمع می‌کند و آنان را به بحث و گفتگو و تبادل اطلاعات و افکار وامی‌دارد. تعارضات و اختلاف نظرها مطرح خواهند شد و در فرایند تجرید و تعقل و تحقیق و استدلال خردمندانه از گذرگاه این تعارضات فکری سنتزی به دست خواهد آمد که پایه و فاق نسبی اندیشمندان را بر مسائل اساسی جامعه تشکیل خواهد داد.

۲-۵- انجام دادن تحقیق یا پژوهشهای جامعه‌شناسی: طرح مسائل، اولویت‌بندی مسائل و ضرورت انجام دادن تحقیق درباره آنها را به دنبال خواهد داشت. انجام دادن تحقیقات علمی نتایج نظری و عملی عنیده‌ای در بردارد. در بعد عملی با انجام دادن تحقیقات کاربردی علل و پیامدهای مسائل اجتماعی شناخته می‌شوند و براساس یافته‌های علمی تحقیق امکان ارائه راه‌حلهای



مناسب پدید می‌آید. با شناخت اهداف توسعه و موانع اجتماعی - انسانی تحقق نیازهای برنامه‌ریزی توسعه بر تحقیقات اجتماعی برآورده و امکان دستیابی به بودجه و امکانات و میدان عملیات تحقیق فراهم خواهد شد. این ارتباط از یک سو به موفقیت برنامه ریزیهای اجتماعی و از سوی دیگر به پیوند جامعه‌شناسی با واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایران و موثر واقع شدن آن در فرایند توسعه کشور کمک خواهد کرد.

این امر در بعد نظری زمینه مناسبی را برای به محک تجربه زدن دیدگاه‌ها و نظریه‌ها و آزمون فرضیه‌های منتج از آنها و در نتیجه ارزشیابی قابلیت عملی تئوریه‌ها و بازنگری آنها و دستیابی به مبانی نظری و چارچوب‌های مفهومی و روش‌های مناسب با شرایط خاص ایران و به اصطلاح بومی کردن جامعه‌شناسی پدید می‌آورد. در ضمن به ایجاد مراکز تحقیقاتی و بسط فرصت‌های پژوهشی هم کمک می‌کند.

۳-۵- بازنگری برنامه‌های آموزشی جامعه‌شناسی: با طرح مسائل کشور و انجام دادن تحقیقات و توجه به تحولات ایران و جهان امروز لزوم بازنگری در برنامه‌های علم اجتماعی در ایران بیشتر احساس خواهد شد. این بازنگری هم از نظر ساختاری و هم از لحاظ محتوایی صورت خواهد گرفت. در بعد ساختاری این بازنگری ناظر به تجدید نظر در تقسیم‌بندی رشته‌ها و گرایش‌ها خواهد بود و در بعد محتوایی شامل تغییر در نوع و محتوای دروس یا تأکید بر مبانی نظری و عملی و آماده کردن دانشجو برای آموزش و پژوهش جامعه‌شناسی طبق نیازمندیها و شرایط خاص جامعه ایران خواهد بود.

۴-۵- کیفیت‌گرایی به جای کمیت‌گرایی: این امر با تقلیل تعداد دانشجو و محدود کردن آن به گزینش داوطلبان مستعد و علاقه‌مند به این رشته عملی خواهد شد.

۵-۵- بهبود محیط کار و فضای آموزشی - پژوهشی: تحقق این امر را می‌توان از طریق تأکید بر پژوهش‌های گروهی و آموزش‌های مشارکتی لذتبخش در کلاسها و اعمال ضوابط و مدیریت علمی و دموکراتیک دنبال نمود.

۶-۵- بازنگری در کم و کیف ارتباطات علمی از جهات زیر:
۱-۶-۵- ارتباطات بین خود اندیشمندان
افزایش کمی و کیفی ارتباطات درون گروهی بین خود اندیشمندان اجتماعی زمینه ساز دستیابی به وفاق نسبی بر سر مسائل اجتماعی و تقویت همبستگی بین آنان خواهد بود. امکان لازم برای بسط تشکلات و انجمن‌های علمی را پدید خواهد آورد و همفکری و همکاری بین آنان را در ابعاد آموزشی و پژوهشی، برپایی سمینارها و گردهمایی‌های مرتب و مستمر بیشتر خواهد کرد و حل مسائل درون رشته‌ای و درون گروهی را تسهیل می‌کند و توان تطابق متخصصان این رشته را با محیط بیرونی افزایش خواهد داد.

۲-۶-۵- ارتباط با مراکز اجرایی کشور

برقراری این نوع ارتباط و پاسخ‌گویی به نیازهای تحقیقاتی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اجرایی امکان دستیابی به منابع و

بودجه‌های تحقیقاتی را فراهم خواهد کرد. امکان هدفدار کردن تحقیقات و هدایت دانشجویان در انتخاب موضوعها و مسائل پیشنهادی سازمان‌های اجرایی و امکان انجام دادن تحقیقات جدیتر با استفاده از امکانات سازمان‌های اجرایی را فراهم می‌سازد و زمینه‌های لازم را برای نهادمند کردن این ارتباط به وجود می‌آورد.

۳-۶-۵- ارتباط با مردم

این ارتباط با تقویت بینش جامعه‌شناسی مردم، ارتقای سطح آگاهی علمی و اجتماعی آنان در زمینه کم و کیف و علل و پیامدهای مسائل اجتماعی مبتلا به آنان به تقویت تعهدات مردمی جامعه‌شناسان در درک و طرح و شناخت مسائل مردم جامعه خویش منجر خواهد شد.

۴-۶-۵- ارتباط با مراکز علمی و پژوهشی

این ارتباط به تبادل علمی و گسترش تحقیقات تطبیقی و تعمیم یافته‌های جامعه‌شناسی در مقیاس بین‌المللی کمک خواهد کرد.

۵-۶-۵- ارتباط با سایر رشته‌های علمی

توجه به سه اصل تفاوت پذیری توأم با حفظ یگانگی لزوم تعمیق تخصص‌گرایی در هر رشته با حفظ ارتباط منطقی با سایر رشته‌ها و تحقق مفاد همه چیز درباره چیزی و چیزی درباره همه چیز کمک خواهد کرد.

۶-۶-۵- کسب اطلاعات روزآمد برای حفظ هماهنگی با شرایط متحول ایران و جهان

امروز در جامعه‌ای در حال گذار و جهانی پیچیده و پرتکاپو به سر می‌بریم که آموزش با دیروز و فردایش با امروز بسیار متفاوت است. در چنین شرایطی دانشمندان به ویژه اندیشمندان اجتماعی باید از اطلاعات و ابزار روزآمد برخوردار باشند تا بتوانند خود را از لنگش فکری نجات بخشند.

منابع

- 1- Kaplinsky, Raphael. (ed) Technology and Development in the Third Industrial Revolution. Frank Cass. 1989, PP 94
- 2- Whitehead, Alfred North; Science & Modern World. Amentor Book. 1925 PP 175
- ۳- طباطبایی. جواد. ابن خلدون و علوم اجتماعی. فرهنگ و دین ۱۳۷۴، ص ۷
- ۴- تریب. حسین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی - دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۵.
- 5- Nagel, Ernest. The Structure of Science N. Y. 1961
- 6- Wellerstein, Immanuel The Capitalist World - Economy Cambridge univ. Perss, 1929
- 7- Mulkey, Michael Sociology of Science. open university 1991